

## **A study of Krishnamurti's attitude towards knowledge based on the teachings of Islam**

**Mahdi Ghahraman\***

**Parya Noori\*\*, Majid Nabavi\*\*\***

### **Abstract**

Krishnamurti is known around the world as a mystic, thinker, writer and speaker. One of the main intellectual components of Krishnamurti (1895-1986) is his particular view of knowledge. Krishna's idea of knowledge is very different from the view of Islam. Therefore, in this article, his view of Islam's view of knowledge has been comparatively compared to the library method and processed in a descriptive-analytical manner. It is completely different from the Islamic view and even contradictory in some cases. According to Krishna Morti, knowledge is the cause of numbness of the mind, wars and destructions, human instability, captivity of the mind, conditioning and hindering psychological change, along with ignorance, hindering human wisdom and freedom and is rejected. This is while the guidance of man through science according to the verses and hadiths of the Imams is emphasized by Islam. The Qur'an considers the cultivation of intellect and thought as one of the factors and constituent elements of man that cause his evolution. According to the teachings of Islam, what causes instability and confusion in human beings is ignorance. According to the Qur'an, Krishnamurti's view that knowledge used as a means to guide man within is an obstacle to discovery is rejected. Therefore, Morty's thought and view of knowledge is generally rejected and unacceptable from the Islamic point of view.

**Keywords:** Thought, Krishna Morti, Islam, Science, Knowledge, Ignorance.

---

\* Assistant Professor, Department of Islamic Education, Sahand University of Technology (Corresponding Author), Tabriz, mahdi\_sut@yahoo.com

\*\* PhD Student in Quran and Hadith University (Tehran Campus), p.noorikh@gmail.com

\*\*\* PhD Student in Quran and Hadith, Arak University, majidnabavi1366@gmail.com

Date received: 06.11.2020, Date of acceptance: 14.12.2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## بررسی نگرش کریشنا مورتی به دانش با تکیه بر آموزه‌های اسلام

مهدی طهران\*

پریا نوری خسروشاهی\*\*، سیدمجید نبوی\*\*\*

### چکیده

کریشنا مورتی به‌عنوان عارف، متفکر، نویسنده و سخنران در جهان معروف است. یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های فکری کریشنا مورتی (۱۸۹۵-۱۹۸۶) دیدگاه خاص ایشان در مورد دانش است. اندیشه کریشنا در مورد دانش با نگرش اسلام تفاوت‌های زیادی دارد. لذا در این نوشته دیدگاه ایشان با نگرش اسلام به دانش به‌صورت تطبیقی و به روش کتابخانه‌ای مقایسه شده و به روش توصیفی-تحلیلی پردازش گشت و مسجل شد با اینکه دیدگاه ایشان به دانش در مواردی همسان با دیدگاه اسلام است اما در بیشتر موارد نگاهشان به دانش کاملاً متفاوت با نگاه اسلام بوده و حتی در مواردی نیز متضاد است. از دید کریشنا مورتی دانش علت کرختی ذهن، جنگ‌ها و ویرانی‌ها، بی‌ثباتی انسان، اسارت ذهن، شرطی شدن و مانع تغییر روانی، همراه با جهالت، مانع خرد و آزادی انسان بوده و مطرود است. این در حالی است که هدایت انسان بوسیله علم طبق آیات و روایات ائمه معصومین مورد تأکید اسلام است. قرآن، پرورش عقل و اندیشه را یکی از عوامل و عناصر سازنده انسان می‌داند که سبب تکامل او می‌شود. بنابر آموزه‌های اسلام آنچه موجب بی‌ثباتی و سردرگمی انسان می‌شود جهل و ندانستن است. بر اساس قرآن، نظر کریشنا مورتی مبنی بر اینکه دانشی که به‌عنوان وسیله‌ای برای هدایت انسان در درون به کار گیرد

\* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه صنعتی سهند (نویسنده مسئول)، Mahdi\_sut@yahoo.com  
\*\* دانشجوی دکتری مدرسی معارف گرایش قرآن و متون، دانشگاه قرآن و حدیث (پردیس تهران)،  
p.noorikh@gmail.com

\*\*\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، majidnabavi1366@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۴

مانعی برای کشف محسوب می‌شود، مردود است. لذا اندیشه و نگاه مورتی به دانش در کل از دید اسلام مطرود و غیرقابل قبول است.

**کلیدواژه‌ها:** اندیشه، کریشنا مورتی، اسلام، علم، دانش، جهل

## ۱. مقدمه

کریشنا مورتی (۱۸۹۵-۱۹۸۶) به جایگاه تفکر در زندگی روزمره تاکید داشت اما به خطرات ناشی از تفکر زمانیکه به دانش تبدیل می‌شود نیز اشاره می‌کرد. کریشنا مورتی درباره دانش دیدگاه خاصی دارد به طوری که دانش و یادگیری آن را نفی کرده و دانش را سبب کرختی ذهن، بی‌ثباتی، جنگ و ویرانی، اسارت ذهن، فاصله انسان از حقیقت، مانع تغییر روانی، همراه بودن دانش با جهالت، مانع خرد و عامل شرطی شدن می‌داند. لذا در این نوشته پس از بررسی مفهوم دانش در لغت و اصطلاح و نیز در نظر سایر اندیشمندان، دیدگاه کریشنا مورتی را با دیدگاه اسلام به دانش به صورت تطبیقی و به روش کتابخانه‌ای مقایسه کرده و به روش توصیفی-تحلیلی پردازش می‌کنیم. بنابراین، این نگارش به بررسی صحت و سقم آرای کریشنا مورتی بر اساس آموزه‌های قرآن و احادیث می‌پردازد.

## ۲. پیشینه بحث

درباره کریشنا مورتی کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی نوشته شده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۹ سال زندگی کریشنا مورتی نوشته پوپول جایاکار، آب و سراب، نقد افکار کریشنا مورتی نوشته قادر فاضلی و بهرام دلیری، تاثیرپذیری سهراب سپهری از کریشنا مورتی نوشته مجتبی نیک‌قامت‌زرندینی، تعالیم کریشنا مورتی، درباره کریشنا مورتی نوشته ریموند مارتین، سیتا آواز کریشنا شاملو، شکوفه‌های خرد در تعلیمات کریشنا مورتی، عرفان کریشنا مورتی و نقد و بررسی آن از دید اسلام نوشته مهدی قهرمان از جمله کتاب‌هایی هستند که در باب اندیشه‌های کریشنا مورتی به نگارش در آمدند و مقالاتی همچون؛ انسان از منظر کریشنا مورتی، وکیلی، هادی، بررسی انتقادی نسبت سعادت‌گرایی و استادپذیری در اندیشه کریشنا مورتی، الدراسات و البحوث: التصور الحدیث للعلم بین حکمة کریشنا مورتی و فیزیاء دافید بوهام، الیازجی، پوچ گرای نامحسوس کریشنا مورتی، سنخ‌شناسی

بررسی نگرش کریشنا مورتی به دانش با تکیه بر آموزه‌های ... (مهدی قهرمان و دیگران) ۱۶۱

عشق کریشنایی و عشق مولوی، قهرمان، مهدی، تاثیر افکار و اندیشه های کریشنا مورتی بر اشعار سهراب سپهری، خضزلو، مرضیه، واکاوی نگرش کریشنا مورتی به عقیده و ایدئولوژی، قهرمان، مهدی و پایان‌نامه هایی چون؛ بررسی تطبیقی آرای هستی‌شناختی جلال‌الدین محمد بلخی و جیدو کریشنا مورتی، محمد حجازی‌فرد به تحلیل و بررسی دیدگاه‌های کریشنا مورتی در موضوعات مختلف پرداختند.

با اینکه آثار نوشته شده در مورد کریشنا مورتی اندک نیست ولی هیچ اثری به صورت مجزا به دانش از منظر کریشنا و تطبیق آن به آموزه های قرآن و حدیث نپرداخته است که این نوشته به این مهم می‌پردازد.

### ۳. زندگی‌نامه کریشنا مورتی

جیدو کریشنا مورتی (۱۸۹۵-۱۹۸۶) نویسنده، متفکر و سخنران هندی است که آثار بسیاری در زمینه خودشناسی و مسائل فلسفی از خود به جای گذاشت. کریشنا مورتی در خانواده‌ای براهمایی متولد شد. او علاقه کمی به مدرسه رفتن داشت. کریشنا و برادرش مدرسه رفتن را کنار گذاشتند و توسط مسئولین انجمن حکمت و عرفان آموزش دیدند (جایاکار، بی‌تا، ۳۸-۵۵). کریشنا علی‌رغم تلاشش موفق به ورود به دانشگاه نشد (جایاکار، بی‌تا، ۶۷) اما به‌عنوان عارف، متفکر، نویسنده و سخنران در جهان معروف شد (جایاکار، بی‌تا، ۹۰).

در سال ۱۹۶۸ بنیاد کریشنا مورتی در لندن تشکیل شد که هدف این بنیاد هدایت، هماهنگی و انتشار آموزش‌ها در سراسر جهان بود. در سال ۱۹۶۹ نام «بنیاد آموزش نوین» در هند به «بنیاد کریشنا مورتی» تغییر کرد (جایاکار، بی‌تا، ۱۵۰-۱۵۴). بعد از مدتی بینش و آگاهی کریشنا توسعه یافت و مفاهیم جدیدی در بحث‌ها و سخنرانی‌های ایشان ظاهر شد تا اینکه از انجمن جدا شد و به‌طور مستقل و آزادانه به فعالیت خود ادامه داد. یکی از دیدگاه‌های خاص کریشنا این است که حقیقت نمی‌تواند سازماندهی شود و هیچ سازمانی نمی‌تواند برای هدایت مردم تشکیل شود و آنها را وادار به راه و روش ویژه‌ای نماید (جایاکار، بی‌تا، ۹۱).

او در نهایت در ۱۷ فوریه ۱۹۸۶ و در ۹۱ سالگی از دنیا رفت (جایاکار، بی‌تا، ۲۲). همان‌طور که در بالا ذکر شد آثار زیادی از کریشنا مورتی به‌جا مانده است که بیشتر آنها برگرفته از سخنرانی‌های ایشان بودند که از جمله آنها می‌توان به حضور در هستی، کتاب

زندگی -مراقبه‌های روزانه، نگاه در سکوت، شرح زندگی، شادمانی خلاق، فراسوی خشونت، عشق و تنهایی، تعالیم، سکون و حرکت، شعله حضور و مدیتیشن، پرواز عقاب، برای جوانان، مرگ، خیر و شر، حقیقت و واقعیت، نارضایی خلاق و رهایی از دانستگی اشاره کرد.

در ادامه به مفهوم‌شناسی علم و دانش پرداخته و معانی لغوی و اصطلاحی این دو واژه را بررسی می‌کنیم و در نهایت به دیدگاه خاص کریشنا مورتی در مورد دانش پرداخته و پس از طرح دلایل نفی دانش از دید مورتی دیدگاه ایشان را بر اساس آموزه‌های اسلام و با ذکر آیات قرآن و روایاتی از بزرگان دین تجزیه و تحلیل می‌کنیم که آیا اسلام با دیدگاه مورتی در باب دانش موافق است یا خیر؟

#### ۴. مفهوم شناسی «علم»

«عِلْمٌ یَعْلَمُ عِلْمًا»، نقیض جهل است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۵۲). در قاموس المحيط، علم به معنای معرفت و شناخت آمده است (فیروز آبادی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۰۲۸). طریحی می‌گوید: اصل در علم از نظر لغت، عرف و شرع به معنای یقین است که در آن احتمال داخل نشود. همچنین، علم به معنای معرفت آمده است همان‌گونه که معرفت به معنای علم می‌آید؛ چون هر دوی اینها مسبوق به جهل هستند (طریحی نجفی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۲۱). پس علم نقیض جهل است و اصل در آن حضور و احاطه بر چیزی است. بنابراین، درجات آن فرق می‌کند. اگر علم همراه با تشخیص و ادراک خصوصیات شیء باشد، معرفت، و هنگامیکه به حد اطمینان و آرامش برسد، یقین نامیده می‌شود (مصطفوی، ۱۴۱۶ ق، ج ۸، ص ۲۰۷).

#### ۱.۴ تقسیمات «علم»

عِلْمٌ ادراک حقیقت چیزی است و از جهات متعدد، قابلیت تقسیم‌بندی دارد. تقسیم‌بندی علم از یک جهت بدین صورت است: ۱- ادراک ذات شیء و ۲- حکم کردن بر وجود چیزی با وجود چیز دیگر که برایش ثابت و موجود است یا نفی چیزی که از او دور و منفی است. عِلْمٌ از جهتی دیگر بر دو گونه است: ۱- علم نظری: چیزی است که وقتی دانسته باشد با دانستن بیشتر کامل می‌شود مثل علم به موجودات عالم و ۲- علم عملی:

بررسی نگرش کریشنا مورتی به دانش با تکیه بر آموزه‌های ... (مهدی قهرمان و دیگران) ۱۶۳

دانشی است که تمام نمی‌شود مگر اینکه به آن علم عمل شود مثل علم به عبادات و از جهتی دیگر نیز علم به دو گونه تقسیم می‌شود: ۱- علم عقلی: علمی که با اندیشه و عقل دانسته می‌شود و ۲- علم سمعی: علمی که صرفاً از شنیده‌ها و مسموعات است. اَعْلَمْتُهُ و عَلَّمْتُهُ: در اصل یکی است جز اینکه تعلیم به آنچه که زیاد تکرار می‌شود اختصاص دارد تا جایی که اثری از آن در نفس آموزنده حاصل شود ولی اِغْلَامٌ مخصوص خبر دادن سریع و تند است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۸۰).

## ۵. مفهوم شناسی دانش

کریشنا مورتی در مورد دانش و دانستگی دیدگاه خاصی دارد. دانش از دیدگاه مورتی در برخی جهات مخرب و در برخی موارد لازم است. در این بخش، ابتدا به مفهوم لغوی و اصطلاحی دانش می‌پردازیم و نظر اندیشمندان دیگر در مورد دانش را واکاوی می‌کنیم. سپس دیدگاه خاص کریشنا مورتی در زمینه دانش را بررسی کرده و با آموزه‌های اسلام مقایسه می‌کنیم.

### ۱.۵ مفهوم لغوی و اصطلاحی دانش

#### ۱.۱.۵ دانش در لغت

واژه‌ی «دانش» اسم مصدر از دانستن بوده و به معنای علم، دانندگی، دانایی، فضل و دانستن چیزی است. حصول علم ثابت و در مراتب، پژوهش است یعنی رفتن به طرف علم آنگاه که موجب شناسایی است؛ یعنی نزدیک شدن به آن. الفاظ مترادف دانش عبارتند از: ادراک، درک، شعر، شعور، وقوف، آگاهی، اطلاع، معرفت و شناسایی. «علم» مجموعه اطلاعات یا آگاهی‌ها درباره یک پدیده است که از طریق آموختن، تجربه یا مطالعه به دست می‌آید (دهخدا، ۱۳۸۵، ماده دانش).

#### ۲.۱.۵ دانش در اصطلاح

به جهت پیچیدگی‌های موجود در مفهوم دانش، برای آن تعاریف اصطلاحی بسیاری ارائه شده است. در برخی موارد، مقصود از دانش همان علم تجربی (Science) است. اما در زبان فارسی برای معادل‌سازی موضوعاتی نظیر علم حضوری (Immediate Knowledge) و علم

حصولی (Acquired Knowledge) از معرفت (Knowledge) استفاده می‌شود (پایا، ۱۳۷۸، ۳۸-۲۵). البته از نگاه شرق و فلسفه شرق، درک دانش منحصرأً وظیفه علوم عقلی است که این دیدگاه در کتب فلسفه در باب «عقل و عاقل و معقول» و در کتب علم‌النفسی در باب «بررسی قوا» مطرح شد و این روش مغایر با روش تجربی غرب است و با داشتن گزاره-های عقلی و منطقی، قوی‌تر و کم‌خنده‌تر است (فیاضی، بی‌تا، ج ۴، ۹۱۷).

به طور کلی، «دانش» (Knowledge) نوعی اطلاعات شخصی است که با حقایق، دستورالعمل‌ها، دیدگاه‌ها، تفسیرها، ایده‌ها، مشاهدات و قضاوت‌ها در ارتباط است. در واقع دانش با توجه به نیازها و معلومات انباشته اولیه یک فرد شکل می‌گیرد. بنابراین، دانش نتیجه پردازش‌های ذهنی است که با محرک‌های جدید رشد کرده و افزایش می‌یابد (تاج آبادی، ۱۳۹۳، ۱۲۴).

### ۳.۱.۵ تعریف دانش از منظر اندیشمندان

در این بخش به تعریف دانش از منظر اندیشمندان می‌پردازیم و تا حدودی نظرات دانشمندان در مورد دانش را درمی‌یابیم.

نوناکا (۱۹۹۴)، «دانش» را معرفت‌شناسی سنتی، اعتقاد صادق و تاییدشده تعریف می‌کند (زاهدی و انتظاری، ۱۳۸۶، ۴۷). ماراکاس (۱۹۹۲) و معتقد است «دانش» اطلاعاتی است که در ذهن افراد قرار دارد (شریف، ۱۳۸۷، ۱۰۱).

ابوالبرکات هبه الله (د. ۵۷۰ق) می‌گوید: دانش همان شناخت و درک است و به فردی که می‌شنود و درک می‌کند امکان می‌دهد قضیه‌ای را که بیان می‌شود بپذیرد و یا نپذیرد. «دانش»، شناخت عالی و به کار بستن پیوسته فنون عالی است. این تعریف در آغاز ترجمه عربی اثری منسوب به پلوتارک (Plutarch)، به نام Plucita، آمده است که در آن روایون از فلسفه به معنای انجام فن شایسته (askesin epiteideiou technes)، یعنی فضیلت، سخن به میان می‌آوردند. گفتنی است در سده سوم هجری/ نهم میلادی واژه «دانش» در بین جوامع اسلامی به معنای هستی، علم یا معرفت به کار می‌رفت. ابن حزم در احکام، در جدلی با اشعریون، «دانش» را خصوصیتی توصیف می‌کند که از راه آن شرایط عین شناخته شده، چنان‌که هست، آشکار (شفاف) می‌شود (روزنتال، ۱۳۹۲، ۸۳).

«دانش» را شاید بتوان در پیوند با کنش نیز تعریف کرد. ارسطوئیان می‌گویند: «دانش» آغاز کنش است و کنش کمال دانش (entelechy). این نوع تعریف، در اسلام بسیار شناخته



بررسی نگرش کربشنا مورتی به دانش با تکیه بر آموزه‌های ... (مهدی قهرمان و دیگران) ۱۶۵

شده است و مسلمانان آن را بسیار بازگو می‌کنند و در متون اسلامی بسیار به جداناپذیری دانش و کنش تاکید شده است (روزنتال، ۱۳۹۲، ۸۳).

«دانش» در نظر کوئین و همکارانش، هوش و خرد حرفه‌ای افراد است که آن را تولید می‌کنند (Bhatt, 2002: 33). به طور کلی، می‌توان گفت دانش و علم یک سلسله‌گزاره‌های واقع‌نماست که نظم طبیعت و قوانین حاکم بر آن را برای بشر بیان می‌کند. اما آنچه در اینجا مهم‌تر می‌نماید این است که این گزاره‌ها دستاورد عقل و ادراک و تجربه بشر هستند و انسان با کمک خرد خویش آن را سامان داده است (جمشیدی، ۱۳۸۹، ۸).

در کل، دانش مجموعه گزاره‌های معرفتی است که از وقایع جهان هستی سخن گفته، واقع‌نما بوده و دستاورد خرد انسانی و حاصل تفکر، تعقل و تجربه اوست و هدف دانش نه تنها سلطه انسان بر طبیعت بلکه ابزار پیشرفت و تحول انسان نیز است (جمشیدی، ۱۳۸۹، ۸).

بر اساس تعریف داوِنپورت، دانش ترکیب سیالی از تجربه‌های شکل‌گرفته، ارزش‌ها، اطلاعات مبتنی بر زمینه عمل و دریافت‌های کارشناسانه در سازمان است که محیط و چارچوبی را برای ارزیابی و افزودن تجربه‌ها و اطلاعات جدید فراهم می‌کند. دانش از ذهن‌های داندگان سرچشمه می‌گیرد و در ذهن آنان نیز به کار گرفته می‌شود. در سازمان‌ها، دانش نه تنها در مدارک و مخازن بلکه بیشتر در روش‌های جاری و فرآیندها و عمل و هنجارها وجود دارد (داوِنپورت، ۱۹۹۸، ۴۲۳).

در تعریف دیگری، دانش چنین تعریف شده است: «تجربه واقعی، مهارت عملی یا کارشناسی، ... اطلاعات ارزشمند برآمده از تأمل، ترکیب، و سایر فعالیت‌های شناختی ذهن انسان. ساختار دادن و ضبط کردن دانش غالباً دشوار است، زیرا عموماً به صورت ضمنی بوده و به‌سختی می‌توان آن را منتقل کرد» (کوینگ، ۲۰۰۰م، ۲۲۱-۱۹۳).

بنابر نظرات اندیشمندان متعددی که در بالا ذکر شدند، مشاهده می‌کنیم که همگی بر این عقیده هستند که دانش از ذهن فرد سرچشمه می‌گیرد و انسان توانایی کنترل و سامان‌دادن به آن را دارد و می‌تواند بوسیله آن خیر را از شر تشخیص دهد. بنابراین، هیچ‌یک از این اندیشمندان دانش را نفی نکرده و آن را مانعی برای بشر ندانستند بلکه حتی آن را راه سعادت انسان دانستند.

## ۲.۵ واژگان هم‌ردیف دانش

کلمه «علم» و «دانش» به معانی متفاوتی به کار می‌روند. گاهی «علم» را به معنای مطلق دانایی و معرفت و در مقابل «جهل» به کار می‌برند. به این معنا که علم مجموع یافته‌های آدمی درباره خود و جهان است. مطابق با بیانات این معنا، اخلاق، دین، عرفان، سیاست، نجوم، فقه، لغت، ... همه علم هستند. دانش از لحاظ معرفتی مجموعه‌ای وسیع، منظم، منطقی و سازمان یافته از داده‌ها است. دانش، ترکیبی سازمان یافته از ایده‌ها، قوانین، رویه‌ها و اطلاعات است (ماراکاس، ۱۹۹۰، ۲۶۴). گاه نیز دانش را مخلوطی سیال از تجربیات، ارزش‌ها، اطلاعات موجود و نگرش‌های کارشناسی نظام یافته می‌دانند که به عنوان چارچوبی برای ارزشیابی و بهره‌مندی از تجربیات و اطلاعات جدید به کار برده می‌شود (بنیاد دائره المعارف اسلامی، بی تا، ج ۱، ۵۰۱۵). گاهی در اصطلاح علم را به معنای دانش (به معنای مطلق هر علمی، مثل علم فیزیک) و گاهی نیز به معنای دانایی (آنچه در ذهن عالم است) به کار می‌برند.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، دانش در غرب منحصر به دانش تجربی است و چیزی که از راه تجربه اثبات نشود مردود است. اما از نگاه شرق به خصوص حکمت اسلامی، دانش به سه دسته عقلی (آنچه گزاره‌های عقلی دارد)، نقلی (آن شنیده‌ای که منتهی به فرد معصوم یا وحی می‌شود) و تجربی (آنچه که موقتاً در تجربه اثبات شده است) تقسیم می‌شود.

نزد حکمای اسلامی علم یک موجود به چیزی، حضور یا حصول آن معلوم خارجی نزد عالم است. اما بنیان فلسفه و نگاه غرب به علم نگاه شکی است به این‌صورت که به تمام آنچه که در ذهن اتفاق می‌افتد مظنون است و اشکالات بسیاری از طرف فلسفه اسلامی به این نظر وارد شده است (فیاضی، بی تا، ۱۰۳۱).

مفهوم حکمت در میان فلاسفه و حکمای یونانی و مسلمان کاربرد گسترده‌ای داشته و متضمن معانی متعددی بوده است. حکمت گاهی به معنایی عام و مترادف با علم و دانش مطلق به کار رفته و بر تمام علوم و فنون و هنرها اطلاق شده است، گاه به معنای خاص و به منزله فلسفه و دانشی تلقی شده است که حقایق هستی را در حد امکانات و توانایی فاهمه بشر مکشوف می‌سازد و گاهی نیز به معنای اخص و مرادف با بخشی از فلسفه دانسته شده است تا جایی که به نظر افلاطون حکمت برترین دانشی است که دواستدانش

بررسی نگرش کریشنا مورتی به دانش با تکیه بر آموزه‌های ... (مهیدی قهرمان و دیگران) ۱۶۷

در جستجوی آن است با آنکه می‌داند به دلیل محدودیت و جسمانی بودن چه بسا نیل به آن برایش میسر نباشد (ایلخانی، ۱۳۸۵، ۳۴؛ کاپلستون، ۱۳۷۵، ج ۱، ۹۸).  
به گفته ارسطو، حکمت دانشی است که متضمن بیشترین شناخت کلی است. بنابراین، دورترین علم از ادراک حسی، انتزاعی‌ترین و در نتیجه دشوارترین دانش برای انسان است (ارسطو، ۱۳۸۵، ص ۹۸۵). بنابراین می‌توان «حکمت» را یکی از الفاظ مترادف با «دانش» به حساب آورد.

## ۶. دانش از دید کریشنا مورتی

دیدگاه کریشنا به دانش دوبعدی است. از دید کریشنا دانش در یک بعد مفید و در بعد دیگر بسیار مخرب است. هنگامی که دانش وسیله بزرگ کردن و بار کردن «خود» می‌شود زبان بار بوده و منجر به تفرق و خصومت می‌شود. گسترش «خود» موجب انشقاق و زوال یگانگی و یکپارچگی می‌شود. دانش از یک جنبه - اگرچه آن هم ذهن را شرطی می‌کند - لازم است؛ دانش تکنیکی، دانش زبان و غیره. شرطی بودن در ارتباط با زندگی برون و فیزیکی لازم است، وسیله تأمین زندگی است ولی وقتی شرطی بودن به امور روانی تسری می‌یابد و وقتی دانش به صورت ابزار لذت و ترضیه نفس در می‌آید قطعاً منجر به تضاد، ستیز و آشفتگی می‌شود (کریشنا مورتی، ۱۳۸۰ (الف)، ۲۲۰-۲۲۱).

همچنین، دانش از نظر کریشنا مورتی عبارت است از اندوخته‌هایی که در طول زمان داشته‌ایم و مکرراً در حال تکرار هستند (کریشنا مورتی، ۱۳۸۴ (ح)، ۹۹). از دید کریشنا آموختن با جمع‌آوری دانش تفاوت دارد. آموزش فرآیندی ابدی و نامحدود است در حالی که دانش همیشه محدود است و نیز آموختن فقط به مشاهده دیداری و نظری اشاره نمی‌کند بلکه بر مشاهده‌ای بدون انحراف نیز اشاره می‌نماید. آموزش یعنی آموختن از طریق مشاهده‌ای روشن و شنیدن آنچه که دیگری می‌گوید، بی هیچ انحرافی و نیز آموزش به معنای جمع کردن نیست چرا که شما در حرکت هستید (کریشنا مورتی، ۱۳۸۴ (الف)، ۲۰۵).

در بعدی دیگر، ایشان داشتن دانش و همچنین داشتن استاد در امور فیزیکی از قبیل رانندگی، معماری، محافظت از محیط زیست و... را ضروری می‌دانند و بر این اعتقاد هستند که در این زمینه‌ها باید بهترین دانش‌ها و بهترین اساتید را به کار گیریم. با این وجود، دانش و آگاهی‌ها در مورد روانشناسی را مانع درک و کشف حقیقت می‌دانند. ایشان می‌گویند که

دانش شکلی از سنت است و سنت در امور فنی ضرورت است اما زمانیکه به‌عنوان وسیله‌ای برای هدایت انسان در درون به کار می‌رود به صورت مانعی در راه کشف چیزهای بزرگ‌تر است (کریشنا مورتی ۱۳۸۳ (ب)، ۹۸).

این در حالی است که هدایت انسان به وسیله علم طبق آیه ۶ سوره سباء «وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَ يُهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» مورد تأکید قرآن است. از دید قرآن هرچه انسان بیشتر علم بیاموزد بیشتر به وجود خداوند پی می‌برد و به هدایت الهی رهنمون می‌شود. هدایت‌گری قرآن از این جهت که حق است برای همه اندیشمندان و افراد اهل علم در هر عصر و مکانی امری اثبات شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۸، ۲۰). نظیر این تعبیر در سوره ابراهیم نیز آمده است: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهیم/۱).

قرآن، پرورش عقل و اندیشه را یکی از عوامل و عناصر سازنده انسان می‌داند که سبب تکامل او می‌شود. یعنی انسان بوسیله رشد صحیح عقل و اندیشه خود و بهره‌برداری از آن در جهت هدف آفرینش می‌تواند از حیات طیبه برخوردار شود. چون در نهاد انسان بذر تمایلات گوناگون افشانه شده است که هر یک در تألیف سعادت، ترقی و پیشرفت او نقش مهمی دارند پس بشر از راه هدایت طبیعی نمی‌تواند راه خوشبختی را بشناسد و در طریق سعادت گام بردارد. حیوان راه کمال خود را با هدایت تکوینی می‌پیماید و برای رسیدن به کمال لایق خود به غریزه تکیه می‌کند. اما غریزه قادر نیست نقش رهبری انسان را همچون حیوانات به عهده بگیرد و از انحطاط و سقوطش جلوگیری کند بلکه عقل و خرد نخستین راهنمای انسان است که او را از صنف حیوانات جدا کرده و راه زندگی را جلوی پای او می‌گشاید و از راه تفکر و تعقل می‌تواند راه سعادت را تشخیص دهد (موسوی لاری، ۱۳۷۶، ۶۵). بنابراین، بر اساس قرآن، نظر کریشنا مورتی مبنی بر اینکه دانشی که به‌عنوان وسیله‌ای برای هدایت انسان در درون به کار گیرد مانعی برای کشف محسوب می‌شود، مردود است.

امام صادق (ع) فرمودند: «حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّبِيُّ وَالْحُجَّةُ فِيمَا بَيْنَ الْعِبَادِ وَ بَيْنَ اللَّهِ الْعَقْلُ؛ حجت خداوند بر مردم، پیامبر است و حجت بین مردم و خداوند، عقل است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۲۵). طبق روایت مذکور عقل حجت درونی (وسیله هدایت درونی انسان) است. از آنجایی که یکی از کارکردهای مهم عقل، تفکر و اندیشه و داشتن دانش صحیح بوده و نیز مهم‌تر از آن، مدرکات عقل نظری، اموری است که شأن آنها، دانستن و

بررسی نگرش کریشنا مورتی به دانش با تکیه بر آموزه‌های ... (مهدی قهرمان و دیگران) ۱۶۹

دانش است (ابن سینا، ۱۹۶۳، ۹۶؛ سبزواری، بی تا، ۱۶۶؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ۹۸) لذا عامل اصلی حرکت انسان به سیر و سلوک الهی و حرکت به سوی حقیقت و عقلانیت توحیدی، هدایت درونی توسط عقل و دانش و اندیشیدن بوده که به عنوان ابزاری مهم در این میان تلقی می‌شود.

آن بخش از دانش که طبق عقیده کریشنا مورتی مخرب بوده و وسیله بزرگ کردن و بار کردن است طبق نظر اسلام نیز مخرب معرفی شده است. آیه «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا..» (جمعه/۵)، مَثَلُ مَذْكَورٍ رَا بَرَاءِ يَهُودِيَانِ آورده که تورات تحمیلشان شد ولی آن را حمل نکردند و چون خراشی شدند که بار کتاب بر دوش دارند و هیچ بهره‌ای از معارف و حکمت‌های آن ندارند (طباطبایی، بی تا، ج ۱۲، ۲۲۷). لذا چنین علم و دانشی بدون عمل و بدون بهره‌گیری از آن، صرف حمل بار بوده و موجب خودبزرگ‌بینی انسان می‌شود.

در حقیقت کریشنا مورتی دانش را به دو قسم دانش ممدوح و دانش مذموم تقسیم‌بندی می‌کند. طبق عقیده وی، دانش سودمند است اما اگر با امور معنوی همراه نباشد بسیار هستی‌سوز است و این امر با رویدادهای جهان کنونی به خوبی قابل درک است (کریشنا مورتی، ۱۳۸۲، ۳۰۰). همان‌طوری که امام خمینی (ره) سودمند بودن علم همراه با معنویت را تاکید کرده و معتقد است تمام سعادت بشر را بیمه می‌کند (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۷، ۵۳۴).

## ۷. دلایل نفی دانش از دید کریشنا مورتی

از نظر کریشنا ما در زندگی روزمره و در برخورد با مسائل مکانیکی به دانش و حافظه متکی هستیم اما هنگامیکه دانش تبدیل به سنت و باوری می‌شود که ذهن، روان و وجود روانی را هدایت می‌کند خودبه‌خود مانعی را پدید آورده و همچنین میان آدمیان جدایی می‌افکند. هنگامیکه دانش تبدیل به سنت می‌شود ایجاد مانعی می‌کند که به ذهن شکل بخشیده و آن را با الگوی ویژه‌ای هم‌نوا می‌سازد و از آن پس نه تنها آدمیان را از هم‌دیگر جدا ساخته و میان آنان دشمنی پدید می‌آورد بلکه مانع اکتشاف عمقی حقیقت، حیات و خدا می‌شود (کریشنا مورتی، ۱۳۸۲ (ج)، ۲۱۷-۲۱۸). مورتی دانش را سبب کرختی ذهن، بی‌ثباتی، جنگ و ویرانی، اسارت ذهن، فاصله انسان از حقیقت، مانع تغییر روانی، همراه بودن دانش با جهالت، مانع خرد و عامل شرطی شدن می‌داند و به‌طور کلی دانش را نفی

می‌کند. در ادامه به دلایل کریشنا مورتی برای نفی دانش می‌پردازیم و هر کدام از دلایل کریشنا را با آموزه‌های اسلامی مقایسه و تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

## ۱.۷ دانش علت کرختی ذهن

از دید کریشنا اندوخته‌های قبلی و چیزهایی که از قبل تجربه کردیم بر آن چیزهایی که الان تجربه می‌کنیم سایه افکنده و آنها را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند و چون تکرار ذهن بر مبنای دانسته‌های قبلی است ذهن در قلمرو دانستگی عمل می‌کند که این علت کرختی ذهن می‌شود چون تکرار خوب یا بد، اخلاقی یا غیر اخلاقی و... باعث کرختی و تنبلی است (کریشنا مورتی، ۱۳۸۴ (ح)، ۹۹).

در نقد این سخن کریشنا باید گفت که اولاً امکان اینکه انسان بتواند از دانش و اندوخته‌های قبلی رهایی یابد وجود ندارد چون امری غیرارادی است. ثانیاً اینکه انسان در مواجهه با مسائل بر اساس دانسته‌های قبلی عمل می‌کند امر ناپسندی نیست ولو اینکه بارها اتفاق بیفتد. برای مثال، اگر اغلب بیماران یک پزشک در چند روز متوالی با علائم مرض خاصی مراجعه کرده باشند و او با مواجهه با آنها مرض را شناخته و داروی بخصوصی به آنها تجویز کرده و موجب بهبودی آنان شود، این تکرار عملکرد بر اساس دانش که نتیجه مثبت هم می‌دهد، امری پسندیده است. علاوه بر این، تکرار می‌تواند سبب شناخت اشتباهات شود. در برخی موارد تا تکرار صورت نپذیرد نمی‌توان به اشتباهات پی برد. همچنین، تکرار می‌تواند سبب زایش و تولید علم شود. اصولاً تولید علم در همین تکرارها و یافتن اشتباهات و یافتن راه‌های جدید شکل گرفته است. در نتیجه استدلال کریشنا صحیح نیست. بعلاوه، علم مورد تاکید اولیای دین نیز است. امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ؛ گنجایش هر ظرفی با قرار دادن چیزی در آن، تنگ و اندک می‌شود به جز ظرف علم که هر چه در آن علم قرار گیرد گنجایش بیشتری پیدا می‌کند (نهج البلاغه صبحی صالح، ۵۰۵). در روایتی حضرت رسول (ص) نیز با تاکید بر اندوختن علم، داناترین مردم را کسی می‌داند که علوم دیگران را نیز به علم خود بیفزاید؛ «أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَيْهِ عِلْمَهُ وَ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج، ۱۶۴).

## ۲.۷ دانستگی عامل بی‌ثباتی انسان

از دید کریشنا ثبات و استحکام در دانش نیست بلکه دانش منافی ثبات و عین بی‌ثباتی است.

من فهمیدم که ذهنم بی‌ثبات و ناستوار است و معنا و نتایج آن را هم درک می‌کنم. می‌دانم که حرکات ذهن من از موضوع بی‌ثباتی نشأت می‌گیرد. بنابراین، چنان حرکتی را - به دلیل آگاهی بر بطلان و مخرب بودن آنها - نفی می‌کنم و کنار می‌گذارم. از خودم می‌پرسم ثبات و استحکام چیست؟ من بی‌ثباتی را می‌شناسم و آن را نفی می‌کنم ولی ثبات چیست؟ من تاکنون ثبات را در فامیل، کار، تجربه‌ها، دانش، استعدادها، در بیرون و درون، در همه جا جست‌وجو کردم ولی هنوز در بی‌ثباتی به سر می‌برم. بنابراین همه اینها را کنار می‌گذارم. در آن صورت چه چیز باقی مانده است؟ «ندانستن» ندانستن عین ثبات است (کریشنا مورتی، ۱۳۸۴(د)، ۶۲-۶۳).

سخن کریشنا مورتی پاک کردن صورت مسأله است. به این صورت که ایشان برای رهایی از بی‌ثباتی - موقت - ندانستن و جهل را توصیه می‌کند در حالی که شاید دانستن در مواردی و در وهله اول موجب سردرگمی و بی‌ثباتی موقت شود ولی با تبدیل دانستگی و علم وهمی و یا ظنی به یقین، همان علم عین ثبات خواهد بود چرا که علم (یقین) سبب استحکام و ثبات شخصیت انسان شده و انسان به واسطه علم از بیشتر آسیب‌ها دور شده و به سمت رشد حرکت می‌کند و دوری از آسیب‌ها و حرکت به سمت رشد سبب ثبات انسان می‌شود. همچنین، تزلزل نقطه مقابل ثبات است و تزلزل ریشه در بی‌اطلاعی و دوری از علم دارد. اگر کسی از مسئله‌ای اطلاع داشته باشد با یقین عمل خواهد کرد و استحکام و ثبات خواهد داشت. پس چیزی که موجب بی‌ثباتی و عدم استحکام است، جهل است نه علم و دانستن.

یکی از گرایش‌های فطری انسان حقیقت‌جویی، شناخت خود و جهان پیرامون خود است. به عبارت دیگر خودآگاهی و دیگرآگاهی از ویژگی‌های فطری انسان است. انسان با آگاهی از خویشتن، قادر به شناخت چیزهای دیگر و حتی خدا می‌گردد. از طرفی خودشناسی مبدأ همه شناخت‌های ماست و کسی که خود را بشناسد اولاً ضرورت شناخت‌های دیگر بر او آشکار می‌شود زیرا به غایت وجودی خود پی می‌برد و به ضعف کاستی بالفعل خویش آگاه می‌شود و ضرورت شناخت مسیر و شیوه حرکت به سوی مقصد را در می‌یابد و ثانیاً شناخت‌های دیگر برای او ممکن می‌شوند. چنان‌که امیرالمؤمنین

(ع) فرموده‌اند: «كَيْفَ يَعْرِفُ غَيْرَهُ مَنْ يُجْعَلُ [يَجْهَلُ] نَفْسَهُ؛ کسی که به خویشتن جاهل است چگونه غیر خود را می‌شناسد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۵۱۸) و نیز فرمودند: «من عرف نفسه، فقد انتهى الى غاية كل معرفة و علم؛ هر که خود را بشناسد، به نتیجه و غایت هر شناخت و دانشی دست یافته است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۲۹۳). لذا آنچه موجب بی‌ثباتی و سردرگمی انسان می‌شود جهل و ندانستن به‌طور کلی، خصوصاً عدم شناخت خود است.

همچنین، معارف لازم برای سعادت از طریق علم‌آموزی و بکارگیری قوه تفکر و اندیشه به دست می‌آید. معارف سعادت‌بخش اعم از معرفت خداوند و شناخت راه رسیدن به اوست. هر حرکتی که انسان انجام می‌دهد و هر گامی که بر می‌دارد فقط در پرتو نور علم می‌تواند در راه صحیح و به سوی خداوند باشد. امام علی (ع) خطاب به کمیل فرمودند: «یا کمیل! ما من حركة أأ و انت محتاج فيها الى معرفة؛ هیچ حرکتی نیست جز آنکه تو در آن نیازمند دانشی هست» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ق، ۱۱۹). دانش عمل را صحیح‌تر و دقیق‌تر می‌سازد و عمل بدون آگاهی سبب افزایش خطا می‌شود و انسان را به هدف نمی‌رساند حتی اگر صورت ظاهری عمل درست باشد. آگاهی، روح عمل است چرا که عمل با نیت جان می‌گیرد و عمل بدون آگاهی کاری بدون نیت و یا با نیت نادرست است. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «اعلم أن العمل الدائم القليل على اليقين، أفضل عند الله من العمل الكثير على غير يقين؛ بدان که عمل پیوسته اندک همراه با یقین (شناخت)، در نزد خدا، بر عمل فراوان بدون یقین فضیلت دارد» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ۲۶۴). این روایت همچنین در کتاب «الحیة» در فصل ارزش‌گذاری عمل با شناخت مورد اشاره قرار گرفته است (حکیمی و دیگران، بی‌تا، ج ۱، ۲۰۲).

### ۳.۷ دانش علت جنگ‌ها و ویرانی‌ها

دانش مفید است اما به تنهایی مخرب می‌باشد. ایشان دانش را به خاطر به بار آوردن امکانات و آسایش فراوان برای انسان از قبیل، تلفن، هواپیما، و... مفید می‌دانند ولی چون از دانش خوب استفاده نشده است و جنگ‌ها، ویرانی‌ها و گرسنگی‌ها و... هم متولد شده است دانش را دارای نقص می‌دانند. در نهایت ایشان دانش را بدون حس عظمت و سرمستی نبود کننده انسان می‌دانند (کریشنا مورتی، ۱۳۸۳(ب)، ۲۴۸). در جای دیگر می‌گویند:

آیا شناخت از طریق دانش تحقق می‌یابد یا دانش مانع شناخت و ادراک خلاق و بارور است؟ ما فکر می‌کنیم از طریق انباشتن دانش و اطلاعات دایره‌المعارفی می‌توانیم از



بررسی نگرش کریشنا مورتی به دانش با تکیه بر آموزه‌های ... (مهدی قهرمان و دیگران) ۱۷۳

بندهای اسارت‌باری که بر خود نهاده‌ایم آزاد گردیم ولی این‌طور نیست. ما این دانش را داریم که نزاع، نفرت و خصومت چیز مخرب و هلاکت‌باری است ولی این دانش سبب نشده است که جنگ و خصومت و نفرت از بین برود. دانش مانع جنگ و خصومت نیست بلکه برعکس، محرک آنهاست (کریشنا مورتی، ۱۳۷۸ (الف)، ص ۲۴۶).

در جواب کریشنا می‌توان گفت که دانش سبب شده که برخی خصومت‌ها و جنگ‌ها از بین بروند. مهم‌ترین علت جنگ‌ها را می‌توان در زیاده‌خواهی یک گروه نسبت به گروه دیگر (و نه در دانش) دانست. همچنین، دلیل مستندی بر اینکه که رشد دانش محرک خصومت‌ها و... بوده است وجود ندارد. ایشان در این مورد فقط ادعا کردند و برای ادعای خود مدرک مستندی ارائه نکردند. بعلاوه، ادعاهای ایشان مانند: «دانش بدون حس عظمت و سرمستی نابود کننده انسان است» بیشتر شبیه سخنرانی‌های احساسی بدون پشتوانه منطقی و کاملاً گنگ است.

برخلاف ادعای کریشنا مورتی و بر اساس آیات قرآن، علم و آگاهی باعث خضوع در برابر حق می‌شود: «إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا» (اسراء/ ۱۰۷) و «وَلْيَعْلَمِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ...» (حج/ ۵۴). پس طبق اندیشه قرآن، کسانی که اهل علم باشند در برابر حق سر تسلیم فرود می‌آورند و معمولاً ریشه جنگ‌ها، سرکشی و طغیان نپذیرفتن حق است و نپذیرفتن حق نیز ریشه در دوری از علم دارد و نیز اصل دانش با استفاده نادرست از آن متفاوت است. به نظر می‌رسد نمی‌توان اصل دانش را مخرب دانست چرا که هیچ پیشرفتی در جهان اتفاق نیفتاده مگر اینکه پشتوانه آن دانش بوده است. البته کج‌فهمی‌ها و استفاده نادرست از دانش نیز قابل انکار نیست. از دید ایشان چون از دانش خوب استفاده نشده است پس مذموم است. در حالی که صرف اینکه از دانش خوب استفاده نشده نمی‌تواند دلیل موجهی برای نفی دانش باشد.

## ۴.۷ دانش مایه اسارت ذهن

کریشنا مورتی دانش و دانستگی را مایه اسارت و ندانستن را مساوی با آزادی می‌داند.

لحظه‌ای که حس کنیم «نمی‌دانیم» و «نمی‌خواهیم بدانیم» به آزادی رسیده‌ایم. آزادی یعنی «ندانستن» و زندان یعنی «دانستن». انسانی که واقعاً نمی‌داند از گذشته آزاد گشته

است و آزادی از گذشته به معنی آزادی از قالب و زندان است. دانسته‌های تشکیل دهنده قالب، عین زندان است. ذهن اسیر دانستگی، همیشه در زندان خواهد ماند (کریشنا مورتی، ۱۳۸۴(د)، ۱۹۱-۱۹۰).

کریشنا ندانستن را توصیه می‌کند و آن را مایه آزادی می‌داند در حالی که نتیجه ندانستن، عملکرد اشتباه در هر زمینه‌ای بوده و اساس عملکرد صحیح در هر زمینه‌ای داشتن علم است. چنانکه پیامبر(ص) فرمودند: «مَنْ عَمِلَ عَلَىٰ غَيْرِ عِلْمٍ، كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ۱۰۸).

### ۵.۷ دانش عامل فاصله انسان از حقیقت

کریشنا می‌گوید: «وقتی من به یک درخت نگاه می‌کنم بین من و درخت یک فاصله وجود دارد. من در ارتباط با درخت نیستم. آن فاصله یک فاصله فیزیکی نیست بلکه آن فاصله را دانش‌هایی که من از درخت دارم ایجاد کرده‌اند» (کریشنا مورتی، ۱۳۸۴(د)، ۵۴). «درک اصولی خود بوسیله دانش یا جمع‌آوری تجربه که صرفاً پژوهش ذهن است حاصل نمی‌شود؛ درک خود، لحظه به لحظه است. اگر ما صرفاً دانش خود را جمع‌آوری کنیم همان دانش مانع درک بیشتر می‌شود» (کریشنا مورتی، ۱۳۸۶(الف)، ص ۵۵). ذهن وسیله مشاهده کردن است و به منظور مشاهده واقعی باید درست عمل کند و از تمام قیودات و ترس‌ها پاک و مبری باشد. همچنین باید از دانسته‌ها دور باشد زیرا دانسته‌ها ذهن را منحرف کرده و مسائل را پیچیده می‌کند (کریشنا مورتی، ۱۳۸۳(ب)، ۲۱۰).

اندیشه کریشنا که علم و دانش انسان را از حقیقت دور می‌کند وجه علمی نداشته و اشتباه است. چون دانش سبب دریافت حقیقت می‌شود. اصولاً حقیقت‌هایی که از مشاهدات علمی به دست می‌آیند به صورت مکتوب و علمی در اختیار دیگران قرار داده می‌شوند. بعلاوه، جمع‌آوری دانش سبب دید دقیق‌تر و ارائه تحلیل جامع‌تر می‌شود. اینکه انسان با مواجهه با پدیده‌ها به دانش موجود توجه داشته باشد و خود نیز تجربه‌های جدیدی کسب کند، با هم تضادی ندارند. کریشنا می‌گوید شخص باید به مسائل بدون هیچ پیش‌فرض علمی نگاه کند چرا که ذهن دارای پیش‌فرض نمی‌تواند مسائل درست را ببیند. این دید کریشنا نیز اشتباه است و مطمئناً همین نظر ایشان نیز مسبوق به پیش‌فرضی است. بعلاوه، اگر همه پیش‌فرض‌های علمی اشتباه باشند، نتیجه‌اش غلط بودن تمامی علوم موجود خواهد بود چون همه دستاوردهای علمی انسان مسبوق به پیش‌فرض است. پس تا

دلیل و مدرک مستندی بر غلط بودن پیش‌فرض‌های علمی ارائه نشود نمی‌توان آنها را غلط دانست و این در حالی است که طبق آموزه‌های اسلامی انسان تنها باید به مسائلی که علم دارد پایبند باشد. «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (اسراء/۳۶) نیز از وصیت‌های امام صادق (ع) است که «تا زمانیکه دانش و یقین پیدا نکردید، سخن نگویند و...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۴۳). از سوی دیگر، خداوند متعال پیروی از گمان و اعتماد بر شیوه غیرعلمی را از آفات شناخت حقیقت بر می‌شمارد «وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» (یونس/۳۶).

## ۶.۷ دانش مانع تغییر روانی

کریشنا مورتی دانش را مانع تغییر روانی می‌داند و تغییر روانی را تنها با دور ریختن دانش و تجربه‌ها میسر می‌داند. از دید ایشان تغییر روانی تنها هنگامی صورت می‌گیرد که جریان انباشتن (دانش‌ها، تجربه و دانسته‌ها) متوقف شود (کریشنا مورتی، ۱۳۸۴، (د)، ۲۱۶).

باید متذکر شد که دانش دو بخش دارد. یک بخش آن صرفاً اطلاعات بوده و منجر به هیچ عملکردی نمی‌شود. برعکس، بخش دیگر آن منجر به عملکرد می‌شود. همچنین همه علوم منحصر در تغییرات مثبت روحی و روانی نمی‌شود بلکه بخشی از علوم جهان و به تعبیر دقیق‌تر بخشی از علوم انسانی مرتبط با مسائل روحی و روانی است و علم روانشناسی و عرفان و در مواردی اخلاق متکفل تغییرات روحی و روانی هستند که البته این علوم نیز آسیب‌های روحی و اخلاقی و مسائلی که به رشد انسان کمک می‌کنند را بیان کرده‌اند. بنابراین نمی‌توان دانش را مانع تغییر روانی افراد دانست بلکه دانش سبب تغییرات مثبت روحی و روانی است. دانشمندان علوم اسلامی تغییرات روانی مثبت را به‌صورت دانش درآوردند و کتاب‌های زیادی در این باره نوشتند. برخی از این کتاب‌ها عبارتند از: طهاره الاعراق، ابوعلی مسکویه (م. ۴۲۱ ق)، منازل السائرين، خواجه عبدالله انصاری (م. ۴۸۱ ق)، صد میدان، خواجه عبدالله انصاری (م. ۴۸۱ ق)، اخلاق ناصری، خواجه نصیرالدین طوسی (م. ۶۷۲ ق)، شرح منازل السائرين، عقیف‌الدین تلمسانی (م. ۷۰۹ ق)، شرح منازل السائرين، کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی (م. ۷۳۶ ق)، جامع السعادات، ملا محمد مهدی نراقی (م. ۱۲۰۹ ق)، معراج السعاده، ملا احمد نراقی (م. قرن سیزدهم) و ... این آثار که نمونه‌هایی از کتاب‌های حوزه عرفان و تغییرات مثبت روانی هستند بیانگر این موضوع هستند که دانش نه تنها مانع تغییرات مثبت روانی نمی‌شود بلکه تغییرات مثبت روانی را به‌صورت منسجم و

علمی ارائه می‌کند. در روایات نیز اندیشیدن و تفکر موجب بروز عاقبتی نیک در اعمال لحاظ شده است. چنانچه امام علی (ع) فرمودند: «إِذَا لُوِّحَتِ الْفِكْرَ فِي أَعْمَالِكَ حَسُنَتْ عَوَاقِبُكَ فِي كُلِّ أَمْرٍ؛ زمانیکه فکر و اندیشه و دانش مربوط به امور را سرلوحه تمام کارهایت قرار دادی، عاقبت و نتیجه کارهایت خوب خواهد بود» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱، ۳۰۸).

### ۷.۷ همراه بودن دانش با جهالت

از دید کریشنا دانش چیزی است که از میان تجارب گذشته جمع‌آوری و در مغز انبار شده است. هیچ دانش کاملی وجود ندارد. بنابراین، دانش همیشه همراه با جهالت است (کریشنا مورتی، ۱۳۸۴ (الف)، ۶۰). دانشمندان تلاش می‌کنند تا دریابند و رای ماده چیست؟ با اینکه دانش بسیار عظیمی را جمع‌آوری کرده‌اند اما قادر نیستند چندان پیش بروند. دانش و جهل همیشه با هم هستند (کریشنا مورتی، ۱۳۸۴ (الف)، ۶۶).

اینکه در برخی از مباحث علمی اشتباهاتی بوده که به مرور زمان تکمیل شده و می‌شود قابل قبول است و اینکه علم بشری کامل نبوده و همیشه جهل او بیشتر از علم اوست نیز قابل قبول است. اما این دلیل نمی‌شود که علم را رها کرد. اصولاً علم به مرور و به صورت پله‌پله و با پژوهش‌های جدید تکمیل تر می‌شود و بشر برای پیشرفت در هر زمینه‌ای راهی جز راه علم ندارد. در برخی روایات آمده علم تا هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) دو حرف کشف خواهد شد و ...

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبَيَّنَّهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ حَرْفًا (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ۳۳۶).

بنابراین طبق روایات، مسیر علم مسیر تکمیلی است نه اینکه تمام علم اشتباه بوده است.

### ۸.۷ دانش مانع خرد

از دید کریشنا دانش را می‌توان آموخت اما خرد را نه؛ تنها در رهایی از دانش است که خرد وجود دارد. انسانی که خود را در حفاظ دانش فرو برده جرأت خروج از آن را ندارد زیرا کلمه «دانش» فکر او را تغذیه می‌کند. بنابراین اندیشیدن مایه لذت و خوشی او است ولی

بررسی نگرش کریشنا مورتی به دانش با تکیه بر آموزه‌های ... (مهیدی قهرمان و دیگران) ۱۷۷

اندیشه مانع تجربه کردن است و بدون تجربه کردن، خرد وجود ندارد. دانش، ایده و عقیده موانعی هستند در راه فرزاندگی و خرد (کریشنا مورتی، ۱۳۸۰ (الف)، ۲۰۸).

سخنان کریشنا ناظر به تجربه‌های عرفانی است؛ ابتدا این سوال مطرح است که تجربه‌های عرفانی چند درصد از علوم جهان مانند پزشکی، اقتصاد، حقوق و غیره را تشکیل می‌دهند؟ آیا با رها کردن این علوم زندگی انسان‌ها مختل نمی‌شود؟ علاوه بر این، ملاک درستی و غلطی تجربه‌هایی که کریشنا می‌گوید چیست؟ آیا با غیر از دانش موجود، می‌توان درستی و غلطی خرد را دانست؟ بعلاوه، اصول و کلیاتی که کریشنا از خرد می‌گوید قابل تعلیم و قابل بحث است؛ به عبارت دیگر هر آنچه که درباره آن بحث شود یا روی کاغذ بیاید علم است و همین مطالبی که کریشنا درباره آن بحث می‌کند از جنس علم محسوب می‌شود. از طرفی امام صادق (ع) دقت بسیار و ممارست در حکمت و دانش و خرد را موجب باروری عقل دانسته و بر آن توصیه می‌کند (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ۳۴۴). همچنین، حضرت پیامبر (ص) دانش و خرد را لازم و ملزوم هم دانسته و می‌فرمایند: ای ابن مسعود! هنگامی که به انجام دادن کاری می‌پردازی با دانش و خرد به کار برخیز و از آن بهره‌بریزی که ناسنجیده و بدون اطلاع به کاری دست زنی که خداوند جلیل می‌فرماید: «... وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَقَضَتْ غَزْلَهُا مِنْ بَعْدِ قُوَّةِ أَنْكَاثًا» (طبرسی، ۱۴۱۲، ۴۵۸).

## ۹.۷ دانش عامل شرطی شدن و مانع آزادی انسان

طبق اندیشه کریشنا، دانش انسان را شرطی کرده و در قالب فرو می‌برد. از دید ایشان دانش موجب آزادی نمی‌شود. بدون آزادی و بدون باز بودن ذهن، شناخت وجود ندارد. شناخت بوسیله دانش حاصل نمی‌شود. در وقفه بین کلمات و فکرها است که شناخت وجود دارد. این وقفه سکوتی است که بوسیله دانش زوال نمی‌یابد. وقفه‌ای که ذهن در آن باز، سنجش‌ناپذیر و غیرمتعین است. کشف هنگامی تحقق می‌یابد که ذهن فارغ از قیل و قال دانش است. در غیبت دانش و دانستگی، ذهن ساکت است، باز و بدون مرز است و تنها در این کیفیت است که کشف و شهود ممکن است (کریشنا مورتی، ۱۳۸۰ (الف)، ۲۲۰).

در حالی که عرفان دینی دانش و کشف و شهود را لازم و ملزوم هم می‌دانند داوودبن محمود قیصری در تعریف کشف عرفانی می‌گوید: کشف عرفانی، عبارت از علم بر معانی غیبی و امور حقیقی است که از روی وجود (حق‌الیقین) یا از روی شهود (عین‌الیقین) و رای حجاب قرار دارد (قیصری، بی‌تا، ۱۰۷).

البته باید دقت داشت که علمی غیر از علوم حسی و عقلی موجب کشف و شهود واقعی می‌شود. حضرت علی(ع) در حکمت ۲۴۷ به علمی اشاره فرمودند که بدون تردید، غیر از علوم حسی و عقلی است: «هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ وَ بَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ؛ آنان که دانش، نور حقیقت‌بینی را بر قلبشان تابانیده و روح یقین را دریافته‌اند.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷). اما علم و دانشی که همراه با عمل باشد، همواره موجب ظهور حقایق و کشف و شهود خواهد بود.

کریشنا در جای دیگر دانش را مانع ناشناخته می‌داند در حالی که دانش به دنبال کشف ناشناخته‌ها است. به عبارت دیگر نوآوری که در تولید علم مد نظر است به این معنا است که ابتدا به موارد منتشر شده احاطه داشت، سپس مباحثی را مطرح کرد که تا به حال مطرح نشده است. بنابراین دانش مانع ناشناخته نیست بلکه عامل کشف ناشناخته‌هاست.

کریشنا دانش را مانع آزادی دانسته و می‌گوید: بدون آزادی و بدون باز بودن ذهن، شناخت وجود ندارد. حال آیا این همه شناختی که توسط اندیشمندان از مسائل مختلف اتفاق افتاده را می‌توان انکار کرد؟ بی‌شک شناخت از طریق علم اتفاق می‌افتد و علم به ثبت شناخت‌های انجام شده می‌پردازد. بعلاوه، به اعتقاد کریشنا دانش انسان را به قالب می‌برد و ایشان مخالف قالب‌گیری انسان است. حال این سوال مطرح است که آیا خود گفته‌های کریشنا دانش نیست؟ اگر هم بتوان دانش نبودن گفته‌های کریشنا را قبول کرد، مطمئناً نمی‌توان انکار کرد که همین طرحی که کریشنا ارائه می‌دهد یک قالب جدید است.

## ۸. نتیجه‌گیری

در سخنان کریشنا نفی علم دیده می‌شود و ایشان به نوعی با عرفان خود به تقابل با علم می‌پردازند در حالی که علم از منظر قرآن و حدیث دارای ارزش ذاتی است. در آیات و روایات فراوان به کسب علم، ارزشمند بودن علم، واجب بودن یادگیری علم و غیره اشاره شده است. خداوند در ۲۷ مورد (مانند سوره بقره/ آیات ۲۰۳، ۲۰۹، ۲۲۳ و ۲۳۱) با لفظ «اعلموا» مردم را به دقت در هستی و یادگیری و علم فراخوانده است که نشان دهنده اهمیت دادن قرآن به مسئله دانش است. تا جایی که قرآن علم و دانش را سبب برتری افراد بر دیگران دانسته (مجادله/ ۱۱) و اعطاء دانش به داوود و سلیمان را موجب برتری آنها بر دیگران می‌داند (نمل/ ۱۵-۱۶) و همچنین علم و دانش را از ملاک‌های شایستگی برای فرماندهی (بقره/ ۲۴۷) و مدیریت (یوسف/ ۵۵) معرفی می‌کند.

علاوه بر قرآن در کتب روایی نیز مباحث بی‌شماری پیرامون علم و دانش وجود دارد که توصیه‌های فراوانی به یادگیری علم کردند.

همچنین، در نقد عقیده کریشنا مورتی نسبت به «دانش» نکات زیر قابل ذکر است:

۱. از گفته‌های ایشان این‌طور استنباط می‌شود که دانشی که به عنوان وسیله‌ای برای هدایت انسان در درون به کار گیرد، مانعی برای کشف محسوب می‌شود. این دیدگاه از نظر آیات و روایات اسلام که عقل را وسیله‌ای برای هدایت و راهنمایی انسان می‌دانند مغایر است. از نظر اسلام، عامل اصلی حرکت انسان به سیر و سلوک الهی هدایت درونی توسط عقل و دانش است.

۲. به اعتقاد ایشان، انسان طبق پیش‌فرض‌ها بحث می‌کند و نظر کریشنا این است که باید بدون پیش‌فرض به مسائل نگاه کرد زیرا ذهن دارای پیش‌فرض نمی‌تواند مسائل را به درستی ببیند ولی باید گفت که درست است انسان طبق پیش‌فرض‌ها بحث می‌کند ولی پیش‌فرض‌های اثبات‌شده را ملاک عملش قرار می‌دهد.

۳. ایشان در برخی موارد سودمندی دانش را در همراه بودن آن با امور معنوی می‌داند که با نظر اسلام تطابق دارد. ولی همین مطلب با گفته‌های پیشین خود سازگاری زیادی ندارد. به طوری که در گفته‌های ایشان اشاره شد؛ ایشان دانش را در امور معنوی و روانی رد می‌کنند (کریشنا مورتی، ۱۳۸۲، ۲۱۷).

۴. دانسته‌های قبلی که کریشنا به آنها اشاره دارد و آنها را نفی می‌کند یا صحیح هستند و ما در درستی آنها شکی نداریم و یا غلط هستند و یا ظنی یا مشکوک هستند در صورت دوم و چهارم حق با کریشنا است چون ابتناء اندوخته‌ها و تجربیات فعلی بر امر نادرست و مشکوک عقلانی نیست ولی دلیلی نیست به غلط بودن ابتناء موارد مذکور بر اندوخته‌های یقینی قبلی و حتی اندوخته‌های ظنی به این معنی که اگر کسی یقین دارد که اندوخته‌های قبلی او یقیناً صحیح هستند، علاوه بر اینکه ابتناء اندوخته‌های فعلی بر آن غلط که نیست بلکه می‌توان از اندوخته‌های صحیح قبلی به‌عنوان ابزاری برای تضمین صحت اندوخته‌های فعلی استفاده کرد و همچنین است در مورد اندوخته‌های ظنی قبلی در صورتی که هیچ راهی برای تبدیل آن موارد ظنی به یقینی نداشته باشیم.

۵. در گفته‌های کریشنا تناقضاتی نیز دیده می‌شود. برای مثال ایشان یادگیری از دیگران را نفی می‌کند در حالی که در لابه‌لای سخنان خودش به ما یاد می‌دهد که یادگیری نداشته

باشیم. ایشان مدعی است هیچ کتابی را مطالعه نکرده است و مخالف هرگونه دانش و دانستگی است به طوری که خطاب به خود می‌گوید:

چگونه است انسانی مثل کریشنا مورتی، بدون مطالعه هر گونه کتاب فلسفی یا مذهبی - خواه غربی یا شرقی - و بدون درگیری به تمرینات گسترده رایج - و بدون اعراض یا خود فداکاری - این چیزها را می‌گوید؟ آقایان من واقعاً نمی‌توانم بگویم چرا (کریشنا مورتی، ۱۳۸۴ (د)، ۱۹۵-۱۹۴).

حال اگر طبق گفته او مطالعه کردن خوب نباشد، کسانی که کتاب‌های ایشان را مطالعه می‌کنند، بدون مطالعه چگونه با نظرات او آشنا بشوند؟

در نهایت دیدگاه کریشنا مورتی در مورد دانش با اینکه در مواردی مطابق دیدگاه اسلام است ولی در اکثر موارد با دیدگاه اسلام فاصله داشته و یا حتی در مواردی متضاد است.

## کتاب‌نامه

ابن سینا، (۱۹۶۳). *مبدأ و معاد*، به اهتمام عبدالله نورانی، بی‌جا، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل با همکاری دانشگاه تهران.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۳۳). *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین.

ارسطو، (۱۳۸۵). *متافیزیک (مابعدالطبیعه)*، ترجمه بر پایه متن یونانی از شرف‌الدین خراسانی، تهران ۱۳۸۵ ش؛.

ایلخانی، محمد، (بهار ۱۳۸۵). «فلاطون و حکمت سقراطی»، ش ۴۹، پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۴۹. (بهار ۱۳۸۵)؛

برای جوانان (۱۳۸۲) (ج)، *کریشنا مورتی*، ترجمه رضا ملک زاده، چاپ سوم، نشر میترا، چاپ سوم، ۱۳۸۲ (ج).

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دار الکتب الاسلامی. جعفری، محمد تقی، *کریشنا مورتی و سفسطه‌هایش*، گردآوری محمدرضا جوادی، نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، *شریعت در آئینه معرفت*، قم، اسراء.

حکیمی، محمد رضا (بی‌تا) و دیگران، *الحیاء*، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

خمینی، روح الله (۱۳۳۸)، *صحیفه امام*، سخنرانی در جمع بانوان تهران و دشت مغان، سال ۱۳۵۸/۳/۸، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).



بررسی نگرش کریشنا مورتی به دانش با تکیه بر آموزه‌های ... (مهدی قهرمان و دیگران) ۱۸۱

- دهخدا، علی اکبر (، ۱۳۸۵)، *لغت نامه دهخدا*، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم-الدار الشامیه.
- سبزواری، حاج ملاهادی. (بی تا). *شرح منظومه*، قسمت فلسفه، بی جا: دارالعلم.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (بی تا)، *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، مترجم ترجمه: فیض الاسلام اصفهانی محمد تقی، تهران، موسسه چاپ و نشر تالیفات فیض الاسلام.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، موسسه الاعلمی للمصبوعات.
- طریحی نجفی، فخرالدین بن محمد (۱۳۶۲)، *مجمع البحرین*، تهران، نشر مرتضوی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت.
- فردریک چارلز کاپلستون (۱۳۷۵)، *تاریخ فلسفه*، ج ۱: یونان و روم، ترجمه جلال الدین مجتبیوی، تهران ۱۳۷۵ش؛.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۰)، *القاموس المحیط*، بیروت، دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.
- قیصری، محمد داوود (بی تا)، *شرح فصوص الحکم*، مقدمه الفصل السابع فی مراتب الكشف و انواعها اجمالاً، ص ۱۰۷. با مقدمه و تصحیح و تعلیق سید جلال الدین آشتیانی.
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۷۲)، *گفتگو با کریشنا مورتی*، ترجمه نسرین زاهد، چاپ اول، نشر طلایه، چاپ اول ۱۳۷۲.
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۷۶) (الف)، *دیلار با زندگی*، ترجمه قاسم کبیری، چاپ دوم، انتشارات مجید، چاپ دوم ۱۳۷۶ (الف).
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۷۶) (ب)، *نامه های کریشنا مورتی*، ترجمه پیمان آزاد، چاپ اول، نشر البرز، چاپ اول، ۱۳۷۶ (ب).
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۷۷)، *۹۱ سال زندگی*، خانم پوپول جایاکار، چاپ اول، ترجمه ساسان حقیقی، نشر محسن، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۷۸) (الف)، *شادمانی خلاق*، ترجمه جعفر مصفا، چاپ اول، چاپ مروی، ۱۳۷۸ (الف) ..
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۷۹)، *رنج های روحی*، ترجمه پیمان آزاد، چاپ دوم، نشر هیرمند، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۸۰) (ب)، *خشونت و خلاقیت*، ترجمه پیمان آزاد، چاپ سوم، نشر هیرمند، چاپ سوم، ۱۳۸۰ (ب).
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۸۲) (الف)، *ترجمه حبیب الله صیقلی*، چاپ دوم، نشر میترا، چاپ دوم، ۱۳۸۲ (الف).

- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۸۲)(ب)، رهائی عشق، رفتار، ترجمه حبیب صیقلی، چاپ اول، نشر میترا، چاپ اول، ۱۳۸۲(ب).
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۸۳)(الف)، شعله حضور و مدیتیشن، ترجمه جعفر مصفا، چاپ اول، نشر قطره، چاپ اول، ۱۳۸۳(الف).
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۸۳)(ب)، فرهنگ آموختن و عشق ورزیدن، ترجمه پروین عظیمی (قاسم ززاده)، چاپ اول، نشر دنیای نو، چاپ اول ۱۳۸۳(ب).
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۸۴)(الف)، آغاز و انجام، ترجمه مجید آصفی، چاپ اول، نشر کلام شیدا، چاپ اول ۱۳۸۴(الف).
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۸۴)(ب)، تعالیم کریشنا مورتی، ترجمه محمد مصفا، چاپ اول، نشر قطره، چاپ اول، ۱۳۸۴(ب).
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۸۴)(ج)، رهایی از دانستگی، ترجمه مرسده لسانی، نشر بهنام، ۱۳۸۴(ج).
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۸۴)(ح)، شرح زندگی، ترجمه جعفر مصفا، چاپ دوم، نشر قطره، چاپ دوم ۱۳۸۴(ح).
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۸۴)(خ)، عرفان و خودشناسی، ترجمه مجید آصفی، چاپ دوم، نشر کلام شیدا، چاپ دوم ۱۳۸۴(خ).
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۸۴)(د)، سکون و حرکت، ترجمه جعفر مصفا، چاپ دوم، نشر قطره، چاپ دوم ۱۳۸۴(د).
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۸۵)(الف)، پرواز، ترجمه مرسده لسانی، چاپ دوم، نشر بهنام چاپ دوم ۱۳۸۵(الف).
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۸۶)(الف)، اولین و آخرین رهایی، ترجمه قاسم کبیری، چاپ ششم، نشر مجید، چاپ ششم ۱۳۸۶(الف).
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۸۶)(ج)، در محضر استاد، ترجمه مجید آصفی، چاپ اول، نشر کلام شیدا، چاپ اول ۱۳۸۶(ج).
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۷۸)(ب)، فراسوی خشونت، ترجمه محمد جعفر مصفا، چاپ اول، نشر گفتار، چاپ اول، ۱۳۷۸(ب).
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۸۰)(الف)، حضور در هستی، ترجمه محمد جعفر مصفا، چاپ چهارم، نشر گفتار، چاپ چهارم ۱۳۸۰(الف).
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۸۵)(ب)، خیر و شر، ترجمه مرسده لسانی، چاپ اول، نشر بهنام، چاپ اول، ۱۳۸۵(ب).
- کریشنا مورتی جیدو (۱۳۸۶)(ب)، پرواز عقاب، ترجمه قاسم کبیری، چاپ دوم، انتشارات مجید، چاپ دوم، ۱۳۸۶(ب).

بررسی نگرش کربشنا مورتی به دانش با تکیه بر آموزه‌های ... (مهدی قهرمان و دیگران) ۱۸۳

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، کافی (ط - دار الحدیث) - قم، چاپ: اول، ق ۱۴۲۹.  
مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم،  
ق ۱۴۰۳.

مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۱). فلسفه اخلاق، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، تهران، چاپ  
و نشر بین الملل.

مصطفوی، حسن (۱۴۱۶ق)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.  
موسوی لاری، سید مجتبی (۱۳۷۶)، رسالت اخلاق در تکامل انسان، قم، دفتر انتشارات اسلامی حوزه  
علمیه قم.

نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، موسسه آل بیت  
علیهم السلام.

Davenport, T.H, Prusak. L. *Working Knowledge: how Organizations Manage what they know?*,  
Boston: M.A., arvard Business School Press, 1998.

Koenig, Michael. "Knowledge Management". in *Library and Information Work Worldwide  
2000*. General editor Maurice Line. London: Bowker Saur, 2000, PP. 193-221.